

بسم الله الرحمن الرحيم

آیت الله علیدوست در برنامه آفتاب شرقی

اصول اخلاق اجتماعی جلسه سی و ششم

موضوع: زمینه های حرام خوری و راهکار حلال خوری

مجری: سوال شده که خواهی دارم که به من حسادت میکند با او چه کنم؟

باید قبول کنیم که بسیاری از مسائلی که افراد درگیر آن هستند توهم از واقعیت است و واقعاً این طور نیست و چون این گونه تصور می کند این گونه هم می بیند از جمله موضوع حسادت را ..اولاً ما باید به خدا پناه ببریم واقعاً گاه این طور نیست؛ ان بعض الظن اثم ..البته خواندن سوره های معوذتین هم می تواند مؤثر باشد ...برخی به خواندن این سوره ها توصیه می کنند..

مجری: سوال شده رابطه اخلاق با فقه چیست؟ آیا فقه ما ممزوج در اخلاق است؟ آیا جامعه ای که فقهی شیعی است، یک جامعه اخلاقی است یا نه؟

انتظار من از صدا و سیما این است که یک لاین خاصی برای این موضوع باز کند که رابطه اخلاق و فقه چیست؟ برخی وقتها یک مساله رنگ علمی دارد و این علمیت آن حفظ می شود. و انسان ها به خودشان اجازه نمیدهند که راجع به این مساله ورود کنند ..اما گاه متأسفانه مسائل بنیانی است که فلان روحانی فلان سخنران و فلان خطیب ورود می کند، و این جا است که آغاز یک انحراف شروع می شود ..رابطه فقه و اخلاق بیش از سه دهه است که مطرح است ...بدون تردید فقه و اخلاق عجین است؛

این که در فقه گفته می شود مکان غصبی نباشد آب در جای غصبی نریزد مگر این ها غیر از اخلاق است؟! و یا فقه در رابطه با خانواده امر می کند به اینکه باید رابطه بر اساس معروف و معروف باشد و یا در بحث شهادت و سیاست آن جا که فقه به قاضی دستور میدهد مبادا عدالت را رعایت نکنی ولو یک طرف یهودی باشد و یک طرف دیگر یهودی...

اما متأسفانه گاهی وقتها هست که افراد عملکردها را معیار قرار میدهند و یا گفته فلان شخص را معیار قرار می دهد و بعد این ها را کنار هم قرار می دهد و براساس این یافته های ناقص قضاوت می کند و برداشت ناقص از فقه پیدا می کند. و یا گاهی اوقات انسان ها اقتضائات زمانه را در نظر نمی گیرند مثلاً اگر زمانی سیلی زدن به صورت یک غیر مسلمان چندان هم غیر عرفی نبوده و مشکل نداشته اما امروزه بار بسیار منفی خواهد داشت اصولاً دنیای گذشته دنیای تقابل بود ولی امروزه این گونه نیست؛ و ما باید دقت کنیم که گزاره های دنیای تقابل را به دنیای امروز که دنیای تعامل هست، منتقل نکنیم...

پس مجموعاً ما باید فقه را عجین با اخلاق در نظر بگیریم و آن را مطالعه کنیم و آن را فارغ از اخلاق ندانیم. وقتی ما فقه را صرفاً بر اساس حرف این و آن و یا به دور از اقتضائات زمانه در نظر بگیریم البته که ناقص است اما فقهی که پویاست فقهی که براساس مصالح شریعت نظر بدهد، عقل و مصلحت و عرف را در

صحنه بیاورد... البته که جریان متفاوت خواهد شد گرچه به این هم بستگی دارد که مدیران جامعه هم این قضایا را آیا درست اجرا کنند یا نه ...

چه خوب است که در حوزه های فقهی هم افراد متخصص و حتی مهم تر متمحض نظر دهند و فقه را معرفی کنند تا مانع برداشت ناصحیح مردم و جامعه از آن شوند... ما باید کاری کنیم که صرفا در حوزه تمحضمان حرف بزنیم اما متأسفانه کسانی داریم که «همه دان اند»!...

مجری: چقدر برخی آیات قرآن زیبا هستند :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ ۚ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا ۚ اْعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

جواب: آیا به نظر شما این آیه فقه است یا اخلاق؟

مجری: هر دوهم فقه است هم اخلاق و این دو به هم در این آیه به هم تنیده اند..

مجری: چه کار کنیم که زمینه های حرام خوری از بین برود ؟

جواب: ما می توانیم با نگاه های متفاوت این ها را جواب بدهیم..

اولین عامل که زمینه است برای حرام خوری ، تکاثر طلبی است گاهی وقتها بسیار نانهادینه و به طور اتوماتیک این کار شروع میشود چشم و هم چشمی هایی که می تواند زمینه حرام خوری را زیاد کند...انسان در این مسیر تا جایی پیش می رود که در موهومات هم مسابقه می گذارد...کما این که در صدر اسلام هم اتفاق افتاد و تکاثر طلبی عربها را به شمردن قبرها کشانید ...قرآن می فرماید:

أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُحَتَّىٰ رُزِنُمُ الْمَقَابِرَ

مورد دوم که زمینه حرام خوری را فراهم می کند وضعیت بد معیشت مردم است. گرانی ، عدم ثبات اقتصادی ، احساس ناامنی در زمینه اقتصادی ..عدم پشتوانه این ها زمینه های حرام خوری را ایجاد می کند.

مورد سوم ؛ تفاوت طبقاتی و حقوقی هست که زمینه حرام خوری را فراهم می کند..

جامعه تک طبقاتی ، براساس موازین نظام سوسیالیستی نظام اسلامی نیست؛ جامعه متقارب طبقاتی ، جامعه ای است اسلامی قرآن می فرماید :

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ۚ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ ۚ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

نباید جامعه دچار تفاوت طبقاتی سرسام آور شود ...قوه مقننه ما و قوه مجریه باید قانون داشته باشد و حوزه های علمیه باید پشتوانه نظری و فکری در این باره داشته باشند...

مورد چهارم: ورود تعریف نشده حاکمیت به بخش های اقتصادی و جرم انگاری بسیاری از فعالیت های اقتصادیمنتها چون سیستم ناسالم هست خود بخود ورود این قوا را می طلبدباید برسیم به این که ليقوم الناس بالقسط نه این که ليقوم الحكومة الناس بالقسط؛ حاکمیت باید کاری کند که مردم خود به اقامه قسط و عدل به پا خیزند ...

این جریان جرم انگاری بسیاری از فعالیت های اقتصادی هم عاملی است در مخفی کردن بسیاری از فعالیت ها و ...

و موارد پنجم: غفلت از یاد خدا و قیامت و حساب و کتاب و ...

ابوالاسود دوئلی است هدیه ای از معاویه به او می رسد دختر ابوالاسود بی خبر از این که این غذا از کجا بوده مقداری از آن را می خورد ..در میانه های خوردن بود که متوجه شد که این از سوی معاویه است ..این دختر کاری کرد که آنچه امکان داشت که از این غذا برگردد استفراغ کرد و آن غذا را برگرداند ..یک دختر بچه این قدر مواظب حلال و حرام بود و ممکن است این را فردا به عنوان سند بیاورند ...

من معتقدم که حساسیت نسبت به این کار امکان دارد که احیا شود به گونه ای که اول مردم حلال خوری را از حاکمیت بیاموزند...دوم از کسانی که مسئولیت جمعی دارند کسانی در دید عموم هستند و مورد توجه اند..سوم این که از متدینان ببینند و رسانه هم ورود به این جریان پیدا کند .این گونه خواهد بود که جامعه اصلاح خواهد شد و د رنبود این عوامل حرام خوری زیاد خواهد شد ..